

دکوراسیون داخلی

ورودی، فضای ارتباطی مابین دنیای بیرون و آشیانه گرم و نرم شما است. در این مکان است که افراد و انرژی های داخل و خارج دکوراسیون داخلی می شوند. از نظر فنگ شویی، در ورودی، دهانه خانه است زیرا انرژی «چی» (انرژی حیاطی مکان ها) پس از ورود از در بلافاصله در تمام اتاق ها پراکنده شده و در زندگی اشخاص جریان می یابد. توجه ویژه به ورودی اصلی هر خانه و مجتمع مسکونی الزامی است. ورودی اصلی خانه را نباید به انبار و محل نگهداری اشیای اضافی تبدیل کرد. آسانسور، راه پله ها و راهروی ساختمان باید روشن و از عرض کافی برخوردار باشند. دقت در کیفیت پوشش کف راهروها، پوشش دیوارها و نوع روشنایی آن ها بسیار مهم است. ورودی داخلی نیز باید تا حد امکان وسیع، روشن و خلوت باشد تا انرژی «چی» بتواند بدون محصور شدن وارد شود و آزادانه حرکت کند. بنابراین از گذاردن رخت آویز برای آویزان کردن لباس در این فضا خودداری کنید مگر این که آن ها را داخل کمد یا گنجی مخصوص این کار جای دهید. کفش ها نیز به همین ترتیب در جاکفشی چیده شوند.

بازسازی ساختمان

اگر ورودی شما کوچک و تاریک است انرژی «چی» برای داخل شدن به بخش های مختلف خانه دچار مشکل خواهد شد. زیرا این مکان باید از روشنایی کافی برخوردار باشد. در این صورت امکان نصب یک لوستر با کریستال های کوچک باعث افزایش «چی» مثبت و مفید می شود اما اگر این کار با سبک دکوراسیون شما سازگاری ندارد از لامپ های هالوژن یا نورافکن های کوچک چند جهته استفاده نمایید دکوراسیون داخلی و نور را به چهارگوشه ورودی پخش نمایید. بهتر است شب ها به ویژه در زمستان چراغ ها روشن باشند. برای اینکه ورودی بزرگتر و روشن تر به نظر برسد رنگ روشن و درخشانی برای دیوارهای این مکان استقبال انتخاب کنید و باز هم توجه داشته باشید هر چه اثاثیه کمتر باشد این فضا آزادتر و بازتر می شود. اگر ورودی کوچک است یک آینه بزرگ در این مکان نصب کنید ولی مراقب باشید که آینه را جلوی در ورودی قرار ندهید زیرا از نظر فنگ شویی این کار انرژی های مثبت را بازپس می فرستد.

-رنگ قهوه ای کف و میزها بسیار ایده آل است. تابلوهای نصب شده در دو طرف ورودی، مرز ورودی را قابل لمس می کند. رنگ سفید مبلمان و آباژور و دیوارها بسیار زیباست. استفاده از قفسه کتاب، تابلوهای کوچک و یک آباژور به مفهوم نشیمن بودن اتاق خیلی کمک می کند.

-کف مشکی با مبلمان های سفید بسیار مکمل خوبی برای همدیگر هستند که هم به زیبایی خانه می افزاید و هم تاثیر مثبتی بر روحیه انسان دارند. همان طور که می بینید استفادا از چند تیکه رنگ قرمز باعث ایجاد هیجان می شود و باز هم یک قفسه کتاب در اتاق نشیمن. دکوراسیون داخلی

اغلب افراد هنگام خرید لامپ های رومیزی و پایه دار فریفته ظاهر آن می شوند، هرچند تاثیر ظاهر زیبای این گونه چراغ ها غیر قابل کتمان است ولی چنین چراغ هایی باید همان قدر که زیبا جلوه می کنند کار کرد خوبی نیز داشته باشند؛ مثلا نور مطلوبی برای انجام کار و مطالعه تامین کنند. بهترین ارتفاع برای این دسته از چراغ ها بین ۱,۲ تا ۱۲۳ سانتی متر از لبه پایینی سایه تا کف است. انتخاب چراغ های قابل تنظیم برای تامین نور مناسب مطالعه و هم چنین در جایی که میزهای کنار مبل ارتفاع یکسانی ندارند گزینه خوبی به شمار می رود. هم نشینی طرح و رنگ چراغ ها با محیط اطراف از دیگر نکات مهم در انتخاب چراغ مناسب هست به عنوان مثال طرح های دارای نقش و نگار با جزئیات فراوان انتخاب مناسبی برای افراد کلاسیک پسند است. مکان هایی که احتیاج به نور بیشتری دارند می توانید از چراغ های پایه دار منحنی با بهره گیری به خصوص در فضای هال خصوصی استفاده نمود. دکوراسیون داخلی

نشیمن در دکوراسیون داخلی

هنگامی که تصمیم به انتخاب وسایلی برای خانه گرفته اید از جمله مهم ترین مسائلی که باید در نظر بگیرید، انتخاب رنگ و مدل مناسب، با توجه به کاربرد و جایگاه وسایل در هر گوشه خانه است. مثلا مبلمان برای اتاق نشیمن با توجه به پارچه، طرح و مدل مبل نسبت به کوچکی یا بزرگی فضا و تعداد نفرات خانواده انتخاب می شود. علاوه بر انتخاب مبلمان مناسب و راحت، پرده نیز فاصله ای بین وسایل داخل اتاق و فضای بیرون است که باید رنگ و طرح آن، مناسب با وسایل خانه و رنگ دیوارها باشد. تمام وسایل یک اتاق نشیمن باید به صورتی بسیار راحت و به گونه ای انتخاب شود که علاوه بر هماهنگی و تناسب، ترجیحاً از رنگ های آرامش بخش و شادی آفرین و متناسب با روحیات و سلیقه افراد خانه باشد. البته بسیاری از مردم تصور می کنند که طرح های ساده آرامش بخش تر هستند و دکوراسیون داخلی یا برای یک سرویس مبلمان حتما باید از یک نقش پارچه استفاده شود و یا با انتخاب چند مدل رویه و چند مدل پارچه با طرح های متفاوت، خللی در نوع چینش دکور

اتاق ایجاد می شود. در حالی که می توان با استفاده از چندین مدل پارچه و رومبلی، با چینی مناسب هر وسیله را در کنار وسایل دیگر به بهترین شکل جای داد. بدین ترتیب با استفاده از طرح های شلوغ با رنگ های هماهنگ، حتی می تان وسایل یک اتاق را با انواع پارچه، اما با رنگ های هم طیف انتخاب کرد. از جمله عوامل مهم دیگر که در چیدمان اتاق نشیمن موثر است نورپردازی است. اتاق نشیمن محلی است که در تمام ساعات روز برای صرف غذا، پذیرایی میهمان های صمیمی، تماشای تلویزیون و ... دکوراسیون داخلی مورد استفاده قرار می گیرد. نحوه نورپردازی، احساس آرامش یا عدم احساس امنیت، شاد بودن یا دلگیر بودن را به حاضرین القا می کند. هم چنین می توان با نورپردازی مناسب، عیب و نقص محیط را پوشانید. البته با توجه به این که اتاق نشیمن در منزل محل تجمع خانواده است، نحوه نورپردازی نیز باید به صورتی باشد که آرامش به حاضران القل شود. یک روش بسیار مناسب برای نورپردازی یک اتاق، استفاده از نورهای غیر مستقیم است که مستقیماً روی صورت افراد و اشیاء سایه های تند ایجاد نکند. بدین ترتیب با استفاده از سایه های ملایم، گرمی و صمیمیت خاص به فضا حاکم می شود. برای زیباتر شدن و تکمیل نورپردازی در اتاق، می توان علاوه بر لوسترها و لامپ های سقفی از چراغ های کوچک تزئینی برای آذین گوشه و کنار اتاق، با نورهای ملایم استفاده کرد.

"تاریخ معماری طی قرن ها به عنوان تغییر در ساخت و تزئین به آهستگی آشکار شده است، اما در پنجاه سال اخیر فولاد و بتن فتوحات جدیدی به بار آورده اند که نشانه ظرفیت بزرگتری برای ساخت و نشانه یک معماری است که در آن کدهای قدیمی واژگون شده اند دکوراسیون داخلی . اگر با گذشته رویارو شویم خواهیم آموخت که ((سبک ها)) دیگر برای ما وجود ندارند، بلکه سبکی متعلق به دوره خود ما از راه رسیده و انقلابی رخ داده است. اذهان ما آگاهانه یا ناآگاهانه این رویدادها را درک کرده اند و نیازهای جدیدی، آگاهانه یا ناآگاهانه سر برآورده اند ماشین جامعه، کاملاً خاص از دنده، میان یک بهبودی با اهمیتی تاریخی و یک فاجعه نوسان می کند. گزینه اولیه هر موجود انسانی تامین سرپناهی برای خویشتن است. طبقات مختلف کارگران در جامعه امروزی دیگر مسکن هایی در خور نیازشان ندارد، پیشه وران هم همینطور. مسئله ای مربوط به ساختن در ریشه ی ناآرامی اجتماعی امروز نهفته است:

شش قانون اساسی دکوراسیون:

رابرت فراست، شاعر امریکایی، معتقد است « خانه همان جایی است که وقتی قرار است به آن برگردیم، همه اجزایش آدم را به سمت خودش می کشد.» سویه های معنوی را اگر کنار بگذاریم، قطعاً یکی از این اجزایی که

آدم را به سمت خانه اش می کشد، سلیقه ای است که در چیدمان اجزای خانه به کار رفته است. این چند قدم را بردارید تا به یک دکوراسیون مطلوب و در عین حال شخصی دست پیدا کنید دکوراسیون داخلی

۱) از نصب تابلوهای کوچک روی دیوارهای بزرگ اجتناب کنید. با این کار هم از ارزش اثر هنری کم می شود و هم دیوار خانه کوچک به نظر می رسد. تابلوهای هنری باید دوسوم پهنای دیوار را پوشش دهند تا بشود آن ها را یک عنصر دکوراتیو به حساب آورد.

۲) اگر می خواهید دیوارهای اتاق تان مرتفع به نظر بیاید، از چندین تابلوی عمودی در کنار هم استفاده کنید. اگر دوست دارید دیوارهای اتاق تان پهن و طولانی به نظر آید، چندین تابلوی افقی را در کنار هم قرار دهید.

۳) نورها می توانند روی رنگ ها تاثیر بگذارند. بای مثال، نورهای زرد مقداری گرما و زردی به رنگ اضافه می کنند. در مقابل، نورهای سفید، باعث اضافه شدن کمی رنگ آبی به دیگر رنگ ها می شوند.

۴) قبل از انجام رنگ آمیزی نهایی، از علاقه تان به رنگ مورد نظر مطمئن شوید. شاید بد نباشد که آن را در جای کوچکی امتحان کنید و زمانی که از شدت روشنی، تیرگی و یا درخشندگی رنگ اطمینان حاصل کردید آن را برای کل دیوارها به کار ببرید. بهتر است رنگ را در زیر همان نوری انجام دهید که بیشترین زمان را با آن سپری می کنید.

۵) استفاده از تابلوهای نقاشی به هماهنگی و زیبایی خانه بسیار کمک می کند، ولی به هنگام نصب این تابلوها باید در نظر داشته باشید که در ارتفاعی بالاتر و یا پایین تر از حد تعریف شده قرار نگیرند. حد تعریف شده نص تابلوها در حقیقت همان میانگین قد افراد بزرگسال خانواده است، دکوراسیون داخلی یعنی در فاصله ای مابین ۱۵۸ تا ۱۷۰ سانتی متر از کف زمین. اگر قصد دارید مجموعه ای از تابلوها را روی دیوار به نمایش گذارید، می توانید این دامنه را به ۱۳۰ تا ۱۵۸ سانتی متر گسترش دهید.

۶) اگر می خواهید اتاق ها بزرگتر از حد واقعی به نظر برسند، از رنگ های روشن و درخشنده استفاده کنید. برعکس، اگر فضای وسیعی در اختیار دارید و می خواهید که کوچکتر به نظر برسد، رنگ های تیره به کار ببرید.

رویکردهای معماری

* رویکرد تاریخی: دکوراسیون داخلی

هدف اصلی رویکرد تاریخی در نگاه به یک بنا، تعیین تاریخ آن است. مشخص شدن تاریخ بنا به معنی شناخت شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بنا است. در واقع شناخت تاریخ یک اثر به معنی پیوند دادن آن با گذشته اثر است. از صاحب نظران این رویکرد وینکلمن، معمار و باستان شناس آلمانی را می توان نام برد دکوراسیون داخلی .

*** رویکرد فرهنگی_ اجتماعی دکوراسیون داخلی:**

هدف اصلی معماران در رویکرد فرهنگی_ اجتماعی، شناخت اجتماع، فرهنگ و مردم شناسی به وسیله ی بنا و معماری عامیانه می باشد. آموس راپاپورت، پل الیور و بیل هیلیر از صاحب نظران این رویکرد هستند.

*** رویکرد معناگرا(سنت گرا)**

دغدغه ی معمارین در رویکرد معناگرا، شناخت معانی و مفاهیم نهفته در اثر و فرم معماری است و عمدتاً دارای ویژگی نماد پردازانه ای است. از متفکران این رویکرد می توان به تیتوس بورکهارت (هنر مقدس)، سید حسن نصر(هنر و معنویت اسلامی) و نادر اردلان(حس وحدت) اشاره کرد.

*** رویکرد عملکردگرا دکوراسیون داخلی:**

هدف معماران عملکردگرا، تاکید بر ویژگی های کاربردی معماری است. نقطه اوج و نماد این تفکر، ماشین است. چون کاملاً عملکردی است و کوچک ترین پیچ آن هم کاربردی است. از متفکران این رویکرد می توان به [هرمان موتسیوس] و [لویی سالیوان] (با طرح شعار فرم از عملکرد پیروی می کند) اشاره کرد.

*** رویکرد فرم گرا: دکوراسیون داخلی**

هدف پیروان این رویکرد، جنبه های زیبایی شناسانه ی فرم است. تناسبات، پر و خالی و ترکیب بندی و گونه شناسی فرم مورد توجه این رویکرد است. از متفکران این رویکرد می توان به لویی دوران، دکوراسیون داخلی کلاوس هردگ(ساختار و شکل در معماری ایران و ترکستان)، راکب کرایر(ترکیب بندی معماری) و استدمن(مورفولوژی معماری) اشاره کرد.

*** رویکرد فضاگرا: دکوراسیون داخلی**

دغدغه این رویکرد فضا، حرکت در آن و کشف فضا می باشد. از متفکران این رویکرد می توان به زیگفرید گیدئون (فضا، زمان و معماری)، برونو زوی، جان هیدک اشاره کرد.

امروزه با افزایش روز افزون جمعیت شهری و قیمت زمین، ساخت و ساز آپارتمان و زندگی آپارتمانی مقرون به صرفه تر شده است. بیشتر ما حداقل یک بار زندگی در محیط بسته آپارتمانی را تجربه کرده ایم و از معایب و مشکلات آپارتمان نشینی آگاهییم. یکی از عمده معایبی که بیشتر مردم از آن گله مند هستند خفه و بسته بودن فضای آپارتمان است. ما با استفاده از چندین نکته کوچک که بیشتر جنبه بصری دارد می توانیم این فضای مرده را زنده تر و آپارتمان خود را دلپذیرتر نماییم.

-انتخاب رنگ دیوارها: دکوراسیون داخلی-

انتخاب رنگ مناسب برای فضای آپارتمانی بخصوص آپارتمان های با متراژ کم بسیار مهم است. رنگ ها از نظر درخشندگی و شفافیت انواع مختلف دارند که بهترین انتخاب، انتخاب رنگ های روشن با درخشندگی و شفافیت زیاد است. اصولاً رنگ های روشن باعث می شوند که فضا بزرگ تر به نظر آید و هر چه شفافیت و درخشندگی آن بیشتر باشد به دلیل انعکاس نور فضا زنده تر (دینامیک) به نظر می رسد. **دکوراسیون داخلی** یکی از رنگ های مناسب آپارتمان رنگ استخوانی روشن است، که علاوه بر داشتن شفافیت و روشنی با بیشتر رنگ های وسایل منزل هم نشینی دارد و کمپوزیسیون را ایجاد می نماید. جهت ایجاد تنوع در رنگ می توانید در قسمت دیوار اپن آشپزخانه از مصالح سنگی با رنگ های متنوع استفاده نمایید.

-انتخاب کفپوش: دکوراسیون داخلی-

جهت پوشش کف آپارتمان از مصالح گوناگونی می توان بهره گرفت. (از جمله سرامیک ها، پارکت های طرح چوب، موکت و ...) اگر قصد تعویض کفپوش ساختمان **دکوراسیون داخلی** را داشته باشید، در صورت استفاده از سرامیک می بایست در انتخاب رنگ آن دقت زیادی شود، زیرا استفاده از رنگ های تیره در کف، فضا را فشرده تر نشان می دهد. معمولاً استفاده از رنگ های بسیار روشن مثل سفید نیز معایبی به همراه دارند، یکی از معایب آن یک دست شدن فضا است که جهت برطرف کردن یک دستی آن می توان از یک قالیچه در زیر مبل استفاده کرد. یا این که در میان سرامیک ها با رنگ های متفاوت را به کار گرفت. در صورت استفاده از پارکت نیز می بایست نکات گفته شده را رعایت نمود و رنگ های روشن طرح چوب را انتخاب کرد.

-انتخاب مبلمان و نحوه قرار گیری: دکوراسیون داخلی-

انتخاب رنگ مبیل اختیاری است اما استفاده از رنگ هایی مثل کرم روشن و یا حتی سفید به زنده تر کردن فضا کمک بیشتری می نماید و فضا بزرگتر به نظر می آید. **دکوراسیون داخلی** در مورد انتخاب طرح مبیل بهتر است حتی المقدور مبیل هایی با اشکال هندسی صلب و یا بدون منحنی انتخاب شود. در مورد نحوه چیدمان آن بهتر است مبیل ها را تقریباً چسبیده به دیوارها قرار داد علت انتخاب شکل بدون منحنی نیز این است که مبیل ها در کنار دیوار صاف ترکیب مناسب تری را ایجاد نمایند. حتی المقدور سعی کنید وسایل خانه را نزدیک به دیوارها قرار دهید تا از هدر رفتن کوچکترین فضاها نیز جلوگیری شود. اگر در جلوی پنجره ها از پرده های پارچه ای استفاده می کنید بهتر است رنگ آن ها نیز روشن انتخاب شود.

-نورپردازی: در دکوراسیون داخلی

نور نیز نقش مهمی را در زنده کردن فضا به عهده دارد. استفاده از نور مناسب و یکنواخت در آپارتمان خفگی محیط را از بین می برد، البته استفاده از نور طبیعی مناسب تر است. در صورت ضعیف بودن نور طبیعی کمبود آن را با به کار گیری نو مصنوعی جبران نمایید. حتی المقدور از پرده های عمودی یا کرکره ای استفاده نکنید، زیرا از ورود نور خورشید به داخل تا میزان زیادی جلوگیری می نمایند. **دکوراسیون داخلی** رده های پارچه ای یا توری بهترین انتخاب برای پنجره های آپارتمان محسوب می شوند. زیرا نور را به خوبی از خود عبور می دهند. استفاده از نورپردازی موضعی بر روی قاب ها و... نیز باعث تحرک و ایجاد حرکت در فضا می شود.

فضای داخلی و نحوه و تقسیم بندی پلان ها، نقش مهمی را در ساختار معماری یک بنا بر عهده دارد. طراحی فضایی با انعطاف پذیری بالا و تنوع پذیر از لحاظ چیدمان و آرایش سطوح می تواند کارکردهای مختلفی را بپذیرد و این در حالی است که مخاطب احساس رضایت بیشتری از فضا خواهد داشت. استفاده از جدا کننده های سبک و قابل حمل، شفاف سازی، رنگ بندی های متناسب با نیازهای موج تنوع مصالح، توجه به نحوه قرارگیری و تعامل مابین فضاهای مختلف از جمله ویژگی هایی هستند که در کنار **دکوراسیون داخلی** ساختار خاصی که برای یک پلان معماری در نظر گرفته شده است، می تواند بر غنای آن افزوده و حتی قسمتی از مشکلات آن را حل کند. از طرف دیگر معماری داخلی به لحاظ معیارهای روان شناسی اهمیت بسیاری دارد. میزان امنیت، صمیمیت، شور و هیجان و آرامش موجود در یک فضا را می توان با راهکارهای مناسب تشدید یا تضعیف کرد. هر کدام از انسان ها دارای تعلقات ذهنی و روحی خاصی هستند که پاسخ گویی به نیازهای آن ها در معماری داخلی اولویت قرار می گیرد، از این رو نگرشی علمی و راسیونال در کنار خلاقیت های هنری مطرح شده و یکی از مسائل مهم در این زمینه ایجاد تعامل و هماهنگی بین آن ها است. امروزه مبحث طراحی و

دکوراسیون داخلی، اهمیتی خاص یافته و حتی به عنوان رشته ای مجزا تدریس می شود. معماری گذشته ما سرشار است از ظرافت ها و ریزه کاری هایی که هزاران ایده و خلاقیت را در خود نهفته است. تزئینات و کاشی کاری های داخلی با تناسبات و رنگ بندی خاص خویش در کنار کالبد درونی، فضایی رمزگون را تداعی می کنند و هم اکنون نیز ارزش فضایی خویش را حفظ کرده است.

ژانر- کنتپری ری آرت (Contemporary Art) با هنر معاصر در دهه ۷۰ میلادی به وجود آمد، اما ریشه های آن به دهه ها قبل و آثار کسانی هم چون مارسل دوشامپ، کرت شوپترز برمی گردد. این دو نفر کسانی بودند که اولین چیدمان های هنری را انجام دادند. بعد از آن ها و در دهه ۶۰ میلادی هنرمندان دیگری در قالب [کانسپتچوال آرت] اقدام به خلق آثاری کردند که بعدها در ژانر (اینستالیشن) یا هنر چیدمان قرار گرفت. به هر حال هنر چیدمان با اینستالیشن تعریف بسیار زیادی دارد. هنر چیدمان یا (Installation art) استفاده کردن از عناصر مختلف است برای بیان تجربه هنرمند از فضایی مشخص. موادی که در چیدمان استفاده می شوند، شامل طیف وسیعی هستند، از مواد و اشیای زندگی روزمره و طبیعت تا رسانه های جدید نظیر ویدیو، صدا، پرفورمانس (هنر اجرا)، کامپیوتر و حتی اینترنت. هنر چیدمان لزوما در گالری های هنری اجرا نمی شود، بلکه ممکن است در هر فضای عمومی یا شخصی اجرا شود. بعضی از چیدمان ها فقط برای فضای خاصی طراحی شده اند. سبک های استفاده شده در هنر چیدمان بسیار متنوع هستند؛ از انتزاعی (آبستره) گرفته تا روایی، از سیاسی تا صرفاً نظری، اثری موقتی یا ماندگار. نام گذاری این سبک هنری در دهه ۱۹۷۰ میلادی بود، ولی پیشروان آن متعلق به اوایل قرن بیستم بودند. در اواخر دهه ۱۹۱۰ میلادی جلوه هایی از هنر چیدمان در آثار هنرمندانی که می خواستند فراتر از قراردادهای مرسوم هنر نقاشی و مجسمه سازی بروند دیده می شود. این افراد معتقد بودند هنرهای زیبا باید با معماری در آمیخته شود. دکوراسیون داخلی

اینستالیشن آرت از لحاظ کاربرد و عمل بخش وسیعی از هنر معاصر جهانی را در برمی گیرد. این شیوه هنری از ایده (نمایشگاه) یا نمایش برگرفته شده است. اینستالیشن عبارتی است مختلط که از تاریخ های چندگانه ای تشکیل شده است و شامل معماری، پرفورمانس آرت (هنر اجرا)، چیدمان و بسیاری از روش های برای به هم پیوستن روش های دیگر در هنر معاصر می شود. اینستالیشن به معنایی که ما هم اکنون می شناسیم از سال ۱۹۶۰ با برپایی نمایشگاه های جفت و جورکاری (Assemblage) و نمایشگاه های هنر محیطی به کار رفت. از خصوصیات اینستالیشن، فعال سازی یک محیط با یک مفهوم یا یک مفهوم با برخورد های ظاهرا هنری است که باعث شد اثر معنا و مفهوم و ارزش هنری پیدا کند. در سال ۱۹۸۹ گالری واحد ۷ لندن به هنر اینستالیشن اختصاص یافت و زمینه ساز تاسیس موزه اینستالیشن گردید دکوراسیون داخلی .

رنگ بندی سرامیک ها دکوراسیون داخلی :

به طور کلی ترکیبات عناصر واسطه در جدول تناوبی؛ مانند: وانادیم، کروم، منگنز، آهن، کبالت، نیل و مس به عنوان مواد رنگ زا در لعاب کاری به کار می رود؛ مثلاً :

اکسید کبالت= آبی تا سرمه ای.

اکسید آهن= کرم رنگ .

اکسید کروم= سبز و صورتی و قهوه ای.

سرامیک های مدرن یا نوین (سرامیک های مهندسی) در ساخت این سرامیک ها به سه نکته اهمیت می دهند؛

1. خلوص در مواد،
2. روش های ویژه تولید،
3. کنترل دقیق بر فرآیند تولید.

سرامیک های مدرن امروزه کاربرد وسیعی در صنایع و پزشکی پیدا کرده اند؛ مانند: فرآورده های ویژه و سرامیک های تکنیکی، دیرگدازها، فرآورده های زمخت، فرآورده های ظریف. این فرآورده ها عمدتاً از مواد اولیه خالص و سنتزی ساخته می شوند. این نوع سرامیک ها اکثراً در ارتباط با صنایع دیگر مطرح شده اند.

سرامیک: (Ceramic)

به مواد معمولاً جامدی که بخش عمده تشکیل دهنده آن ها غیر فلزی و غیر آلی باشد، سرامیک گفته می شود. این تعریف نه تنها سفالینه ها، پرسلان (چینی)، دیرگدازها، محصولات رسی سازه ای، ساینده ها، سیمان و شیشه را در بر می گیرد، دکوراسیون داخلی بلکه شامل آهن رباهای سرامیکی، لعاب ها، فروالکترونیک ها، شیشه_سرامیک ها، سوخت های هسته ای و... نیز شامل می شود.

برخی آغاز استفاده و ساخت سرامیک ها را در حدود ۷۰۰۰ سال ق.م می دانند در حالی که برخی دیگر قدمت آن را تا ۱۵۰۰۰ سال ق.م نیز دانسته اند. ولی در کل اکثریت تاریخ نگاران بر ۱۰۰۰۰ سال ق.م اتفاق نظر دارند) بدیهی است که این تاریخ مربوط به سرامیک های سنتی است). واژه سرامیک از واژه یونانی کراموس گرفته شده

است که به معنی سفال یا شیء پخته شده است. مهم ترین عناصر پوسته زمین عبارتند از: اکسیژن ۵۰٪، سیلیسیم ۲۶٪ و آلومینیم ۸٪ بنابراین می توان حدس زد که مواد اولیه سرامیکی (پوسته زمین) در واقع همان ترکیبات اکسیدی سیلیسیم و آلومینیم هستند، لذا به آن ها (آلومینو سیلیکات) گفته می شود. کانی آشنای رس نیز در واقع نوعی (آلومینو سیلیکات) آب دار می باشد. (رس خالص سفید رنگ است و قرمزی رس معمولی به علت وجود اکسید آهن در آن می باشد) کانی های رس در سرامیک ها دو عملکرد مهم دارند:

1. مخلوط آب و رس (گل رس) دارای خاصیت شکل پذیری فوق العاده است (پلاستیک) و حتی بعد از شکل گیری آن به صورت پایدار باقی می ماند.

2. این مواد در محدوده ای از حرارت قبل از آن که ذوب شوند ذرات تشکیل دهنده آن دچار ذوب سطحی شده و پدیده هم جوشی اتفاق می افتد، که در آن قطعه ای یکپارچه و مستحکم تشکیل می شود. (زینتر شدن)

خلاقیت واژه ای است مبهم که ارائه تعریف دقیق از آن دشوار است. همانند هزاران واژه مهم دیگر که با ارائه تعریف فقط آن ها را در یک چهارچوب سلیقه ای محدود می کنیم. اما به طور کل می توان گفت: خلاقیت یک فرآیند ذهنی است، مرکب از قدرت ابتکار و انعطاف پذیری که هدف آن تولید یک محصول ارزشمند، کاربردی و نوآورانه است. ((تافلر)) در کتاب موج سوم می گوید: ((موج اول دوره کشاورزی است که انسان ها وابسته به زمین هستند، در موج دوم انقلاب صنعتی رخ داد و موج سوم عصر فراصنعت و فن آوری اطلاعات است و تنها فکری که در این عصر می تواند کارساز باشد خلاقیت است. با این وجود در تصور اکثر افراد باور بر این است که با اطلاعات کافی و استدلال و تجزیه و تحلیل ماهرانه که می توان به تجربه تعبیر کرد، رسیدن به هدف نهایی دست یافتنی است و افراد با یک دید عامیانه در مورد خلاقیت استفاده از آن را در تمام عرصه های زندگی محدود به عده ای خاص که به طور ذاتی خلاق هستند، می دانند. دکوراسیون داخلی اما امروزه دانشمندان در عین اعتقاد به فطری بودن این فرآیند بحث آموزش خلاقیت را ارجح تر دانسته و آموزش شیوه های خلاقیت و هم چنین بررسی خصوصیات افراد خلاق را فراهم کننده ظهور این فرآیند حیاتی می دانند. (ادوار دوبونو، خلاقیت جدی)، در مقدمه بحث، خلاقیت را به فرآیند ذهنی تعریف کردیم. این فرآیند در ذهن یک معمار خلاق ضرورتاً دارای دو پیش نیاز خواهد بود.

۱. **تخیل:** تخیل همان تصاویر و اوهامی است که معمار آزادانه و بدون قید و بند در ذهن خود برای خلق یک اثر معمارانه می پروراند. این تخیل به دلیل آزادی و رهایی زیاد، مقدمه مناسب خلاقیت معمارانه است. بدین ترتیب

که معمار می تواند در تخیل خود هزاران اثر معماری را که اولین بار به ذهن خود او خطور کرده است، پدید آورد.

۲. تصور: تصور معماری به مثابه تصاویر ذهنی است که معمار با راهنمایی استادش از یک اثر معماری که تا بحال ممکن است اصلاً ندیده باشد ولی آن اثر در واقعیت وجود دارد، ساخته می شود. حال معمار برای تبدیل تخیلات خود به واقعیت باید با استفاده از تصورات خود از یک اثر معماری که اکتسابی بدست آمده است، آن تخیلات را به جهان واقعیت وارد کند. به طور کل ((تخیل عمل تسریع کننده تصور است در حالی که تصور صافی است که تخیل برای پیوستن به واقعیت باید از آن بگذرد.)) با داشتن این دو پیش شرط، معماری خلاق و به طور کل، فرآیند خلاقیت به عینیت می رسد.

تکنیک های خلاقیت دکوراسیون داخلی:

با توجه به معنی خلاقیت که یک فرآیند ذهنی است، خلاقیت هم مانند هر فرآیند تولیدی دیگر که محصول دارد و محصول آن یک تولید نو که از قبل وجود نداشته باشد می باشد، تکنیک هایی دارد و به طور کل وارد حیطه آموزش خلاقیت معماری می شویم. این تکنیک ها باعث خلق یک فرم خلاقانه می شود و باید توجه داشت: ((در تاریخ معماری به ندرت تکنیک هایی ابداع می شود که شیوه دست یابی به فرم را اساساً عوض کند.)) (کامران افشار نادری، مجله معمار، شماره ۹، تکنیک های خلاقیت) .

این تکنیک ها شامل:

1. نمایش ارزش.
2. ایجاد ابهام.
3. ایجاد تنش.
4. تغییر پذیری فرم و ساختار شکنی.
5. استفاده از استعاره های محسوس و نامحسوس.
6. استفاده از پارادوکس و متافیزیک.

بیونیک: دکوراسیون داخلی

واژه بیونیک نخستین بار توسط سرگرد جک استیل، افسر هنگ هوانوردی ارتش آمریکا، به کار برده شد. وی علم سیستم هایی را که شالوده آن ها سیستم های زنده است یا خصوصیات سیستم های زنده را دارند یا به سیستم های زنده می مانند را علم بیونیک نامید

معماری بیونیک و الهام از طبیعت:

...بشر از ابتدا سعی کرده برای ساخت و طراحی مکان ها و وسایل مورد نیاز خود از طبیعت و محیط زیست اطراف خود الهام گیرد. به عنوان مثال ساختمان بدن خفاش برای لئوناردو داوینچی ایده ای بود که بتواند ماشین پرنده را طراحی کند یا نیروی عضلانی و در عین حال سرعت زیاد دلفین ها جرقه ای برای ساختمان زیردریایی بود یا تارهایی که عنکبوت ها می بافند برای ساخت نمایشگاه مونترال، اثر فرای اتو، (bionic tower) به کار گرفته شد. معماری را می توان علم حیات مصنوعی نامید، علمی مانند آنچه در جهان طبیعت و نظام تکرار و پاسخ اصول بیولوژیکی و ژنتیکی اتفاق می افتد. ... معماری بارها از ساختارها و اشکال طبیعی و طبیعت الهام گرفته است که اخیرا این روند بیشتر در منطق درونی و مورفولوژی پروسه های طبیعی دیده می شود تا ظاهر آن ها... ذهنیت بیونیک و ارگانیک مهم ترین روند قرن بیستم بوده و سالیوان، رایت و لوکوربوزیه همگی روی تشابهات بیولوژیکی کار می کردند... جنبش معماری بیونیک شکل چهارضلعی و منتظم ساختمان های سنتی را برای پدید آوردن ساختمان های بیولوژیکی و جهان طبیعی نفی می کند. نتیجه این دیدگاه مجموعه ای از ساختمان های منحصر به فرد با قالب های بیولوژیکی و ریاضی میشود... از جمله آثار (سانتیگو کالاتروا) که به این سبک طراحی شده (با الهام از آناتومی انسان) می توان برج تورنیگ توروسو (turning torso) موزه هنر میلواکی (museum art milwaukee) ، شهرک علوم و فنون (city of art&sciences) و ساختمان آسمان نمای آن که هر یک به نوعی از طبیعت الهام گرفته اند. بناها در معماری بیونیک یا معماری طبیعی یا با استفاده از مواد شکننده و ناپایدار ساخته می شدند یا در دل یک حفره طبیعی که در زمین یا صخره شکل گرفته. یکی از این مکان های طبیعی ، غارها بودند.